

استراتژی « داعش »!

رونوشت برابر اصل است

در این ارتباط، از قضا دو دوزه بازی های مضحک آقای « اتحادیه بین المللی »! موضوع یکی از لطائف ملا نصرالدین وطنی خودمان را تداعی می کند: تلنگش در رفت، غافل از بوی گند معده... رندانه پاشنه کفش خود را بر زمین می سابید تا حاضران فکر نکنند که مومن گوزیده. مرد خدا و گوز، نعوذبالله.

بگور پدر اوپاما و مرکل و اولاند و مای... حضرات کشک خود را می ساینند. مدیون محافل « خوبان »! سنگ ارباب را بسینه می زنند - مگسانند گرد شیرینی. شواهدی هست مبنی بر اینکه ژنرال « داعش »! نفوذی الله در تمام مناطق نشاندار، خاصه در خاور نزدیک و میانه، با محافل امپریالیستی غرب انس و الفتی دیرینه دارد. شگرد امپریالیسم آمریکا و شرکاء در اوضاع و احوال جاری جهان را فوت آب است: موازین شناخته شده بین المللی را زیر پا می گذارد، حق نمی شناسد، قانون نمی پذیرد، استقلال ملت ها و کشورها را مردود می داند، می کوبد، سر می برد، ویران می کند، کشتار براه می اندازد... گوش شیطان کر - استراتژی ناتو در یوگسلاوی و افغانستان و عراق و لیبی و سوریه... را بکار می برد. رونوشت برابر اصل است.

متولیان دمکراسی توطئه و حقه بازی، دلالی و کارچاق کنی... وانمود می کنند که ژنرال « داعش »! از سیاره ای دور دست فرود آمده، اصلا یک جانور مریخی است. وانمود می کنند که هیچ دخالتی در سازماندهی و تسلیح این جنایتکار حرفه ای ندارند. مرتب برایش نیروهای کمکی، تروریست های انتحاری... آذوغه و مهمات نمی فرستند. وانمود می کنند که با او زد و بند، روابط پولی و تجاری، محرمانه و غیر قانونی ندارند. از این راهزن قهار نفت، با قیمت نازل، بشکه ای ۱۰ دلار، حتی گاهی کمتر... نمی خرند. چه حرفا. خودتی آقای اوپاما، خاتم مرکل. آقای اولاند، خاتم مای...

یادتان باشد. همه می دانند که ژنرال « داعش »! با صدای کلفت متحدان خر پول کاخ سفید و بوکینگهام و الیزه... در خلیج فارس عربده می کشد، نفس کش می طلبد. بسیایق شیوخ فاسد نفتی - سلفی، امرای احمق سعودی و قطری و کویتی و اماراتی، شریکان استراتژیک ناتوچی ها سلاخی می کند...

غربی ها شگرد خاص خود را دارند و در شرایط « اضطراری » شرایط جاری: غرق بحرانی همه جانبه و ساختاری، عدم تحرک اقتصادی مزمن... بنام « آزادی »! بدهی نجومی دولت را برخ می کشند تا برای خدمات « زائد »! آموزش و فرهنگ و هنر، برای رفاه مادی و معنوی نیروهای مولد مادی، کارگران شاغل و بیکار و بازنشسته، بخاطر مایحتاج ضروری، نیازمندیهای مصرفی فرودستان در سرزمین پایگاه خرج نکنند. تا با افزایش قیمت ها، مالیات های مستقیم و غیر مستقیم... جیب مردم را خالی کنند، مشکلات مالی گروههای ممتاز، دلال و کارچاق و بساز و بفروش... را بر طرف نمایند، قدرت رقابتی مالکان و سرمایه داران بزرگ را، در سطح ملی و بین المللی، بالا ببرند...

با اسم رمز « حقوق بشر »! نژاد پرستی، بیگانه ستیزی را اشاعه می دهند. دروغ می بافند، بودجه نظامی را بالا می برند، دشمن می تراشند، تدارک جنگ می بینند، کشور گشائی می کنند، با راهزنان و گروههای مشکوک کنار می آیند، داد و ستد می کنند، کلی معاملات کلان و « قانونی »! خاصه فروش اسلحه و مهمات... انگشت روی ماشه، وعده آرامش و صلح می دهند. هم از توپره می خورند و هم از آخور.

فرض میکنیم که غرب « متمدن »! در گروکشی های مذهبی، حیدری و نعمتی، شیعه و سنی... براه انداختن جنگ های جاری، قیامتی - نیابتی در مناطق غیر خودی، دست نداشته باشد. می گویند در مثل مناقشه نیست. ولی حیرت آور اینکه ناتوجی ها: شاهد حضور نظامی مستقیم، دخالت غیر قانونی عربستان و قطر و کویت و امارات در امور داخلی عراق و افغانستان و بحرین و یمن و سوریه... حاضر نیستند، حتی موقت، صدور توپ و تانک و طیاره جنگی، سلاحهای پیشرفته برای حضرات را متوقف کنند. گوا اینکه سازمان ملل ارسال سلاحهای تعرضی برای مناطق نا آرام را مجاز نمی داند.

اینطور که می گویند، مثل اینکه تا بحال کلی از این سلاحهای مدرن و پیشرفته، محموله های « بشر دوستانه »! عوضی ارسال شده اند... بدست دشمنان دمکراسی، تروریست های « اسلامی »! بدست انبوه هواداران غربی ژنرال « داعش »! افتاده اند. نکند کاسه ای زیر نیم کاسه باشد. چطور؟ چون بنظر می آید که این جانور چابک و سیار، با جزئیات فراخوان « نظم نوین... »! جزئیات طرح اشغالگرانه « خاورمیانه بزرگ »! آشنائی زیادی دارد، آشنائی فنی - مثل آقای « کاخ سفید »! مدعی جهانسالاری است، حتی می داند که تحقق این مطلوب، بدون مهار خلق ها و ملت های مغرور خاورمیانه، تسلط بر منابع نفت و گاز منطقه، یعنی ۶۰ تا ۷۰ درصد از انرژی مصرفی لازم جهان، بدون کنترل انحصاری تنگه استراتژیک هرمز در حوزه خلیج فارس... اصلا مقدور نیست. پیدا کنید پرتقال فروش را...

سودای جهانسالاری امپریالیسم آمریکا، موضوع تز دکترای هنری کیزینجر، مشاور امنیتی دایم کاخ سفید از گروه راکفلر - همان ایدئولوژی مسموم الیگارشی مالی، به نوعی مالکیت « اشرافی یگانه »! اقتصاد دلاری - تروریستی، تقسیم کار جنائی، شیوه گوش بری - نسبه خوری با مدیریت انحصاری آقای « کاخ سفید »! اشاره دارد. چون فراخوان تروریستی « نظم نوین جهانی »! طرح اشغالگرانه « خاورمیانه بزرگ »! با قرائت مستانه بوش ها... چیزی غیر از این نمی گوید. یک گرایش پولی - استعماری، هماهنگ با مطلوب محافل « خوبان »! که وجود خلق ها و ملت ها را نفی می کند، استقلال کشورها را بزیر سوال می برد - سوار بر اسب فرسوده و بیمار « دموکراسی »! میلیتاریسم کور و احمقانه و افسار گسیخته امپریالیسم آمریکا در دوران معاصر، استراتژی وال استریت را موجه جلوه می دهد...

پیشینه ننگین این ایدئولوژی مسموم، استراتژی ویرانگر - استعمار « نوین »! رقابت حذفی و مسلحانه میان اروپای غربی و آمریکای شمالی بر سر کنترل انحصاری بازار بین المللی به اواخر سده نوزدهم میلادی باز می گردد... سوی دست گرمی طرفین، اقدامات مقدماتی، ترور و اختناق برای آرام کردن پشت جبهه در سطح ملی و منطقه ای، جنگ کریمه، ۱۸۵۳/۱۸۵۴ میلادی، تا جنگ های اول و دوم جهانی را در بر می گیرد. تا اینکه امپریالیسم تازه نفس آمریکا، کلی پیش افتاد، بازی را برد، بر خر مراد سوار شد، دست سر پیدا کرد...

در این ارتباط، تاریخ مکتوب، با تمام اما و اگرها... گواهی می دهد که چطور امپریالیسم آمریکا خلق های همسایه و همجوار خود را کوبید، معترضان را سر برید، جنوبی های فضول و فعال و انقلابی را، در غل و زنجیر... قتل عام کرد، جنوب را بلعید. بعد ها معلوم شد که امپریالیسم دو دوزه باز شمالی - با اسم رمز « استعمار زدائی »! قصد شومی داشت - با ظاهری « مظلومانه و حق بجانب »! بفکر گسترش بازار فروش، مواد خام و انرژی، نیروی کار ارزان، تا مدت ها بشکل بیگاری... بفکر بلعیدن جنوب، تسلط انحصاری خود در منطقه، قاره بزرگ آمریکا از طریق مهار جنبش های استقلال طلبانه خلق های لاتین... ناگفته نماند که این ایدئولوژی مسموم، استراتژی ویرانگر، هنوز در دستور کار آقای « کاخ سفید »! گذار از اروپا محوری را مفروض می دارد: رویدادی که با چگونگی حضور زیرکانه امپریالیسم آمریکا در دو جنگ اول و دوم جهانی، شکست سخت اروپای نازی در برابر دیکتاتوری انقلابی پرولتاریا در جنگ دوم جهانی، رسوائی بزرگ، غیر قابل انکار میراث خواران استعمار کهن... با رفرم پولی - دلاری، طرح مارشال برای بازسازی اقتصادی اروپا و با نظارت مستقیم آقای « کاخ سفید »! بستگی تام داشت. بدنبال انتقال مرکز ثقل توطئه های بین المللی از اروپای غربی به آمریکای شمالی بسامان رسید.

سخن برسر نوعی سرکردگی صوری، خودکامگی سیاسی، جهانسالاری دلار است، استراتژی وال استریت برای کنترل زیست جمعی - که در آستانه سقوط « ناگهانی »! فروپاشی امپراتوری شوروی گل کرد. با چراغ سبز ناتوچی ها، کلی قد کشید، بالا آمد، محافل مالی و امپریالیستی را قلقلک داد... تا اینکه در دستور کار کاخ سفید قرار گرفت. با اولین دور بمباران مردم عراق بسال ۱۹۹۱ میلادی - بنام « سازمان ملل متحد »! بعنوان یک شگرد موثر برای ترور و اختناق، ایجاد رعب و هراس در مناطق دور دست، نابودی خلق های « یاغی »! ملت های « نا اهل »! مصادره دارائی و اموال دیگران، برسمیت شناخته شد. بقول دهخدا: بعد از این برسر ماها چه بلاها برسه...

پس بیخود نبود که بمباران عراق، همه اهداف غیر نظامی، سرکوب یک خلق، اختناق یک ملت، فاقد وسائل لازم دفاعی، قتل و کشتار جمعی، ویرانگری و تخریب، نابودی زیر ساخت های اقتصادی و اجتماعی، واحدهای تولید و بازرگانی و خدماتی، اداری و امدادی و آموزشی... بیخود نبود که این تجاوز آشکار، ویرانگری احمقانه، جنایت تهوع آور - با سکوت اوباش « متمدن »! روبرو شد...

فراخوان تروریستی « نظم نوین جهانی »! فقط یک هشدار از موضع قدرت بود: هشدار حساب شده با توافق قبلی گورباچف و شرکاء، در مورد پایان نظم دو قطبی، تقسیمات شرقی - غربی، رقابت اردوگاهی بر سر تسلط یگانه بر تولید و بازرگانی جهان. جورج بوش (اول)، با تحقیر رقیب مقهور - شکست « کمونیسم »! بر شیطان لعنت، برتری امپریالیسم آمریکا را برخ می کشید...

باند کلینتون - گروه محلل... همان سیاست تروریستی کارتر را در پیش گرفت: اجازه نداد آتش جنگ در شمال کشور مستقل عراق، شمال اشغالی عراق، خاموش شود. حضور غیر قانونی آقای « کاخ سفید »! همراه با کلی نفرات و تجهیزات نظامی استراتژیک... در خلیج فارس را تقویت کرد. ستادی در اختیار رژیم ثقلبی اسرائیل گذاشت تا مجاهدین وطنی را برای یک انقلاب رنگی در ایران آماده کند. ماموران موساد را برای آموزش مجاهدین افغان، وهابی و سلفی و چچن... تعلیم کردهای رسوا و « آبرومند »! بکار گرفت. سیا را برای تکمیل طرح برژینسکی - بسیج و تسلیح قداره بندان طالبانی، اوباش « اسلامی »! با دل شیر و مغز خر... سازماندهی جوخه های مکتبی و انتحاری، آرایش باندهای تروریستی چابک و سیار... فعال کرد. توانست خرس روسی را مهار کند، بنحوی با سردمداران رژیم بورژوا - آخوندی ایران هم ساخت، کنار آمد... من بی گناهم، در یک کلام، تمام وسائل لازم برای اشغال و تجزیه کشور یوگسلاوی بسال ۱۹۹۲ میلادی، جهت درهم کوبیدن افغانستان و اشغال عراق را فراهم آورد...

اینها همه میرساند که پنتاگون برای تحقق سودای جهانسالاری امپریالیسم آمریکا، پیاده کردن ایدئولوژی اولیگارشی مالی، استراتژی دلاری - تروریستی وال استریت، تحمیل نوعی تسلط یگانه بر تولید و بازرگانی جهان با مدیریت آقای « کاخ سفید »! آمادگی دارد. طرح اشغالگرانه « خاورمیانه بزرگ »! حکایت از آن داشت که مرکز ثقل تضادهای بین المللی در کجاست. چون تحقق سودای جهانسالاری امپریالیسم آمریکا، بدون تسلط در این منطقه، با بیش از ۶۰ تا ۷۰ درصد از نفت و گاز مصرفی دنیا حاضر، کنترل انحصاری تنگه استراتژیک هرمز در خلیج فارس، بدون مهار خلق ها و ملت های مغرور خاورمیانه... مقدور نیست - موضوع تز « هفت خان پنتاگون »! در این ارتباط، هنوز نمی توان حرف آخر زد...

دیری است که نظم مستقر، بورژوا - امپریالیستی، از کار افتاده، بکلی مختل شده. دموکراسی توطئه و حقه بازی، دلالی و کارچاق کنی... با بحرانی همه جانبه و ساختاری، نوعی عدم تحرک اقتصادی مزمن... روبروست. تمرکز عمودی ثروت سر به فلک کشیده، بسمت حماقت و دريوزگی، مداحی و خایه مالی و شخصیت فروشی، سازمان گریزی، کارگر ستیزی، بسمت دلقک بازی، تکبر، بیشرمی، رجالگی سیاسی، پوچی « محض »! سرعت گرفته است. قرانن نشان می دهند که سرمایه از ریل خارج شده، سامان نمی گیرد، به هیچ صراطی مستقیم نیست. جامعه سرمایه داری کارش گره خورده، تکرار نمی شود، نمی گردد، با مولفه های ساختاری خود در تناقضی آشکار قرار گرفته، پا در هواست، احتیاج به یک خانه تکانی انقلابی دارد...

رضا خسروی